

نقش نام های جغرافیایی در تعیین هویت ملت ها

اردشیر ممبینی^۱، نسرين نيك انديش^۲، نسرين فراست^۳

۱- کارشناس، دبیر آموزش و پرورش شهرستان باوی استان خوزستان،

ardeshirbayman4@yahoo.com

۲- استادیار، دانشگاه پیام نور آران و بیدگل، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جغرافیا،

nasrinnikandish@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، دانشکده کشاورزی، گروه زراعت و اصلاح نباتات.

nasrinfarasat21@yahoo.com

چکیده

نام های جغرافیایی به منظور شکل دادن به هویت فرهنگی - سیاسی مطرح می شوند. نام های جغرافیایی و هویت مردم و مکانها، ریشه در عمق تاریخ اجتماعی دارد، در قرن حاضر تعیین نام های جغرافیایی، هویت مکانها، تقسیمات کشوری، استراتژی های جغرافیایی، و غیره، باید بر پایه اقتصاد، ضمن رعایت تاریخ اجتماعی انجام پذیرد. بدیهی است که استفاده از نامهای استاندارد، نقش موثری در بهبود شیوه زندگی دارد. نام ها می توانند تعیین کننده هویت ملی ملت ها باشند و ریشه در بستر فرهنگی، شیوه تعاریف جغرافیایی و اماکن جغرافیایی داشته باشند. تعامل فرهنگ ها و تمدن ها و حفظ صلح در صورتی ممکن است که ملت ها به اندازه کافی با یکدیگر آشنا باشند. هرگونه تغییر و دخل و تصرف در نام ها و نقشه های تاریخی و جغرافیایی، بطور مثال در مورد ایران، تغییر نام خلیج همیشه فارس، به صلح جهانی لطمه می زند. چون نام ها بازگو کننده هویت تاریخی اماکن و ملل هستند. باید کشورها را بخصوص کشور ایران را با تاریخ، فرهنگ و تمام متعلقاتش به سایر ملل شناساند.

کلمات کلیدی: نام های جغرافیایی، هویت ملی، تعامل فرهنگی، صلح جهانی.

مقدمه

مسیر دو علم سیاست و جغرافیا در قیاس گسترده ای با هم تلاقی دارند و در محل تلاقی این دو دانش پراهمیت است که دانش جدید "جغرافیای سیاسی" پا به عرصه وجود گذارده است تا امکان مطالعه روابط انسان با محیط سیاسی را فراهم سازد و تأثیر تصمیم سیاسی انسان بر چهره جغرافیا در رابطه با شکل گیری پدیده هایی چون «کشور»، «ملت»، «حکومت»، «مرز» و غیره مطالعه شود، آن گونه که بتواند به شیوه یا دانش «کشورداری» یاری رساند. در پهنه همین دانش است که موضوع نام های جغرافیایی در چارچوب تعاریف و به منظور شکل دادن به هویت فرهنگی - سیاسی مطرح می شود. همین جنبه مورد بررسی است که بستری را جهت تعیین اهمیت نقش نام های جغرافیایی در مکانیزم تعیین هویت اماکن آماده می سازد و گاه می کوشد این نقش را در راستای تبیین هویت سیاسی توسعه بخشد. در اینجا است که علم، فدای امیال سیاسی شده و تلاش می شود جغرافیا دگرگونه وانمود شده و تاریخ وارونه نوشته شود تا صاحب آن امیال، سیاست هویت مکانی موردنظر خود را شکل دهد. در تاریخ نام های جغرافیایی و هویت مردم و مکانها، ریشه در عمق تاریخ اجتماعی دارد، زمانی که انسانها در قبایل اولیه زندگی می کردند، از نام هایی بهره می گرفتند، که نشانی از طبیعت و حیوانات داشت، در دوره ای که شاهان بزرگ فرمانروایی می نمودند، نام هایی که در خور سلاطین و خاندان آنها بود بوجود آمد، و زمانی که انسانها به دین ها روی آوردند، مکانها با نام های دینی درآمیخت. مردم در طول تاریخ نام هایی بر می گزیدند، که در اندازه دانایی زمان آنها بود، و به این ترتیب هویتها آشکار می شد. در قرن ۲۱، هویت ها بر اساس اقتصاد و شیوه مدنیت شناسایی می شوند، اقتصادی که بتواند نیازهای فزاینده مردم را پوشش دهد، در صورتیکه بیش از ۴۰۰ سال، بسیاری از کشورها تحت پوشش عثمانی با یک هویت بودند. در نتیجه و بطور خلاصه در قرن ۲۱ تعیین نام های جغرافیایی، هویت مکانها، تقسیمات کشوری، استراتژی های جغرافیایی، و غیره، باید بر پایه اقتصاد، ضمن رعایت تاریخ اجتماعی انجام پذیرد. بدیهی است که استفاده از نامهای استاندارد، نقش موثری در بهبود شیوه زندگی، به خصوص در داشتن دسترسی بهتر و استفاده بهینه از خدمات شهری و امکانات فراهم می کند. امروزه، همراه با توسعه فرهنگ عمومی برای استفاده از اطلاعات جغرافیایی و مکانی، محدوده استفاده از نام های جغرافیایی نیز توسعه یافته است. ارتقاء سطح عمومی آگاهی و بصیرت نسبت به ضرورت استفاده از استاندارد نام های جغرافیایی، منشاء ظهور دیدگاه های جدید بوده و "نام" به عنوان یک کلید برای شناسایی و کشف این دیدگاه ها مطرح است و علاوه بر آن، نام جغرافیایی می تواند به مدیران و برنامه ریزان و به طور موثر در ارائه خدمات، حفظ و توسعه زیرساخت های جامعه کمک نماید. (۱۳ و ۱۴). نام ها می توانند تعیین کننده هویت ملی ملت ها باشند.

هویت ملی و عناصر آن

در روزگار کنونی، هویت فردی برای افراد و هویت ملی برای ملت ها می باشد. بحث هویت یکی از بحث های مهم در دو قرن اخیر بخصوص در بین ملت های جهان سوم می باشد، چرا که این ملت ها در پی رویارویی با مدرنیسم به نوعی دچار بحران هویت شده اند. ملت ها با تکیه بر عناصر ذهنی و عینی هویت ملی می توانند در جدال با مدرنیسم و جهانی شدن خود را باز تعریف کنند و از هیولای عظیم بحران هویت خود را برهانند. هویت ملی عبارت است از مجموعه خصایص و ارزش های مشترک یک ملت مستقل که افراد ملت نسبت به آن ها خود آگاهی یافته اند و به واسطه ی آن ها به یکدیگر احساس تعلق می کنند. هویت ملی از نظر جامعه شناسی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق

عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی، دینی جامعه‌ای و انسانی است و ویژگی اصلی آن قابلیت انعطاف اجزاء آن و بومی بودن ابعاد تشکیل دهنده آن می‌باشد. (۸)

هویت ملی ریشه در خاک دارد و عناصر کلی سازنده آن عبارتند از: ۱-بزار و محتوای زبان فارسی ، ۲-ودایع واجد تفکراساطیری آیینی تاریخی ، ۳-آیین ها و آداب و سننی که خاطره قومی هزاره ها را در خود دارند.

عناصر هویت ملی

الف: دین

دین و عقاید مذهبی یکی از عوامل بسیار مهم در تعیین هویت ملی است این عامل در طول تاریخ توانسته است که نقش بسیار زیادی را در همبستگی ملت ها ایفا کند . البته اهمیت این عامل با توجه به فرهنگ های مختلف و در زمان های مختلف فرق می کند. گاهی مذهب به تنهایی می تواند در ایجاد فرهنگ و آداب و رسوم و سنن بسیاری از کشورها تاثیر شگرف داشته باشد و در بسیاری از کشورها ی جهان عامل مهم ملیت محسوب می شود.

ب: زبان و فرهنگ

فرهنگ عبارت است از دین ، زبان ، تاریخ ، هنرها ، ادبیات ، آداب و سنن و آیین های کهن یک ملت که زاینده ی زمانی بس دراز و دست پرورده ی نیاکان آن ملت است . فرهنگ به عنوان یکی از عناصر ذهنی و معنوی هویت ملی است که از آن به عنوان یکی از پایه های اصلی هویت ملی می توان یاد کرد . زبان نیز به عنوان هسته ی فرهنگ هر ملت و به نوعی نقش بستر آن را ایفا می کند . در واقع زبان و فرهنگ به عنوان میراث معنوی یک ملت عناصری جدا از هم نیستند . زبان نماینده ی فرهنگ و بازتاب آن است .

ج: تاریخ

تاریخ یکی از عناصری است که می تواند موجب تقویت همبستگی ملی شود. یک ملت از طریق حافظه ی تاریخی خود می تواند هویت یابی نماید. به عبارتی دیگر یک تاریخ طولانی می تواند به عنوان یک منبع غنی و پشتوانه ای برای هویت ملی باشد که ملت با رجوع به آن بیشتر می تواند خود را بشناسد و این نوع خود آگاهی هویت ملی را محکم و استوار می کند.

د: سرزمین

اصولاً بحث هویت دارای بستری جغرافیایی است . هویت در مرحله ی اول به معنای متمایز بودن و مکان، مهمترین عاملی است که این نوع حس متمایز بودن را ارضا می کند ، در واقع مکان منبع ثابت و پایداری برای هویت یابی است و می تواند به عنوان یک تکیه گاه عمل کند . هم چنین مرزپذیری و قابل تحدید بودن مکان، امکان خوبی برای هویت یابی پایدار فراهم می کند .

وجود سرزمین مشترک از عوامل مهم همبستگی میان افراد است. مردمی که در یک سرزمین زندگی می کنند، خواه ناخواه با یکدیگر تماس حاصل کرده، به تدریج همبستگی زبانی و فرهنگی پیدا می کنند. وابستگی های مکانی، زیست محیطی و طبیعی انسان و شکل گیری علقه های وطنی ، خانوادگی ، و سکونتگاهی انسان در ارتباط با سرزمین معنی پیدا می کند. سرزمین با ویژگی های خود، چه مکان تولد فرد باشد یا محل سکونت وی شود ، یکی از بنیادهای هویت فرد را تشکیل می دهد. به هر طریق مردمانی که در یک سرزمین مشخص زندگی می کنند در یک زمان طولانی با آن سرزمین و مکان هویت پیدا می کنند و هویت خود را با توجه به آن سرزمین معنی می کنند (۱۲).

برگزیدن نام های جغرافیایی

تا قبل از قرن ۲۰، اقتصاد جهان بر پایه اقتصاد کشاورزی و جغرافیای کشاورزی بود. در قرن ۲۰، اقتصاد، بر پایه انرژی و تولید انبوه چرخید، اما از ابتدای قرن ۲۱ وضع دگرگون شد، و دوباره نقش جغرافیای اقتصاد کشاورزی نمود پیدا کرد. درک تفاوت قرن‌ها و خواسته‌ها در طول زمان بسیار اهمیت دارد و در نهایت بشر را بسوی زندگی جدید در قرن نو می‌برد. عدم توجه به این موضوع، صدمات جبران ناپذیری به کشورهای جهان وارد می‌سازد مانند، کم آب یا خشک شدن دریاچه‌ها، کم یا زیاد شدن بارندگی در مناطق مختلف، برهم خوردن نظم کشاورزی و دامی، افزایش و جهش آفات و میکروب‌های کشاورزی و دامی، و بسیاری موارد دیگر. بهمین جهت بهترین روش برای جلوگیری از این قبیل مشکلات، ابتدا ایجاد هویت بر پایه نیازهای قرن حاضر و سپس نامگذاری‌های جدید بر اساس تاریخ اجتماعی است.

نقش نام های جغرافیایی در هویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ملت‌ها

صاحبان اندیشه اتفاق دارند که ساختن «هویت» فردی یا ملی اغلب از راه مقایسه خود با دیگران حاصل آید، ولی گاه پیش می‌آید که این شکل دادن به هویت خودی از راه شکستن هویت دیگری از راه وارونه کردن حقایق تاریخی و دگرگونه جلوه دادن حقایق جغرافیایی صورت می‌گیرد. در اینجاست که جغرافیای سیاسی هوشیار شده و برای حفظ اصول علم و نظام علمی - اخلاقی گرداننده عالم سیاست، با تکیه بر یک سلسله مطالعات علمی در جغرافیای تاریخی اماکن موردنظر، در برابر این گونه تلاش‌ها قد علم می‌کند چون او می‌داند که این گونه تلاش‌ها تا چه اندازه می‌تواند بی‌بندوباری را در عالم علم رواج دهد و به سلامت روابط واحدهای جغرافیایی در عالم سیاست لطمه زند، جدل‌های بی‌حاصل میان مردمان را رونق دهد و صلح و آرامش را برهم زند و حتی به جنگ و خونریزی انجامد. جغرافی دان سیاسی می‌داند که نام‌های جغرافیایی به دلایل سیاسی و نژادی و مذهبی درست نشده‌اند که در خدمت به امیال یاد شده دگرگون شوند. او می‌داند که نام‌های جغرافیایی از هسته اولیه‌ای پدیدار می‌آیند که ریشه در بستر فرهنگی و شیوه تعاریف جغرافیایی و اماکن جغرافیایی در هر محل و مکانی دارد. اشکال اولیه این نام‌ها به مرور زمان تطور یافته و عصاره اصلی آن در کوره زمان گداخته می‌شود و به صورت آلیاژ پایداری در می‌آید که علی‌الاصول نمی‌تواند و نباید براساس هوا و هوس سیاسی افراد و یا حتی اقوام دگرگون شوند.

درحالی که یک عرف سیاسی - تاریخی، دگرگون کردن نام‌های راه‌ها، روستاها و نواحی کوچک جغرافیایی در شهرها به دلایل سیاسی، نژادی و یا دینی را تقریباً به حالتی عادی درآورده است، ملل برخوردار از دموکراسی که به دلایل قانونمندی در تلاش برای حفظ اسامی کهن هستند تا هویت تاریخی خود را حفظ و حراست کرده باشند، تغییر نام‌های جغرافیایی را حتی اگر در سطح اندک باشد، تقبیح می‌کنند.

تعامل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و حفظ صلح در صورتی ممکن است که ملت‌ها و مردم جهان به اندازه کافی با یکدیگر آشنا باشند و این شناخت باید جنبه ژرف و تاریخی داشته باشد تا شناسایی و در نتیجه احترام به هویت ملی هر کشور و ملتی امکان‌پذیر باشد، هرگونه تغییر و دخل و تصرف در نام‌ها و نقشه‌های تاریخی و جغرافیایی، حتی اگر هیچ‌انگیزه سیاسی در آن نباشد، به صلح جهانی لطمه می‌زند. چون نام‌ها بازگوینده هویت تاریخی اماکن و ملل هستند. باید

کشورها را بخصوص کشور ایران را با تاریخ، فرهنگ و تمام متعلقاتش به سایر ملل شناساند. جغرافیای فلات ایران، تاریخ این سرزمین، زبان فارسی، دین اسلام و تجددخواهی و میل به پیشرفت، عناصر اصلی هویت ایرانی را تشکیل می‌دهند. بررسی هویت ملی یکی از مباحثی است که از اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی برخوردار است. اهمیت تاریخی آن به این جهت است که اولاً این پدیده در فرآیند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تأثیر پذیرفته است. ثانیاً هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است. از نظر جامعه‌شناختی هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. هر اندازه یک ملت از هویت محکمتر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود. در میان متفکران در رابطه با موضوع هویت ملی و افزایش روابط جهانی و جهانی شدن دو دیدگاه وجود دارد. تعدادی از صاحب‌نظران بر این باورند که روند جهانی شدن باعث تزلزل پایه‌های هویت ملی شده و همه کشورها کم و بیش مجبورند در قبال این روند از خود انعطاف نشان دهند. برخی دیگر از متفکران معتقدند که جهانی شدن باعث می‌شود کشورهایی که خواهان حفظ هویت خود هستند، عکس‌العمل نشان دهند و درصدد تحکیم پایه‌های بومی وحدت، هویت و انسجام جامعه خود برآیند. وقتی از هویت پدیده‌ای سخن به میان می‌آید، باید به نحوی نشان دهنده این باشد که پدیده مزبور به راستی گویای هیئت و ماهیت وجودی آن است، در غیر این صورت فاقد معنای ماهوی آن خواهد بود (۲). از نظرگاه دیگری هویت فرآیند پاسخگویی آگاهانه هر فرد به یک دسته سؤالات در مورد خودش می‌باشد؛ از گذشته‌اش که او چه کسی است، کجا بود، چه بود، چه هست و به چه قبیله، نژاد یا ملت تعلق دارد، منشا ابتدایی و اصلی‌اش کجاست و در تمدن جهان چه نقشی داشته است (۴). برخی گفته‌اند: هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد (۱۰). برخی هویت را معناداری جامعه دانسته‌اند، یعنی جامعه‌معنایی برای خودش قائل باشد و در چارچوب آن عمل کند و در صورت از دست دادن این معنا یا به هر دلیل گسستگی در معناداری با بحران هویت مواجه خواهد شد (۷). برخی دیگر از جامعه‌شناسان مقوله هویت را با دید جدلی و تقابلی آن تعریف نموده‌اند. در نگاه این گروه اساساً هویت به معنی هستی و وجود است، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند. انسان‌ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می‌کنند (۶). برخی از تعاریف هویت ملی بر عناصر یکپارچه‌کننده واحد سیاسی مستقل تأکید دارند و آن را مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنند. برخی دیگر به جنبه روانی آن تأکید دارند. عده‌ای نیز مشترکات ملی و دلبستگی بدان را عنصر اصلی تعریف هویت ملی دانسته‌اند و آنرا به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، اجتماعی و قومی که زندگی انسانی را دربر می‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند، تعریف می‌کنند (۹). مفهوم تاریخی هویت ایرانی در نهضت‌های قومی، سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند و در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایران متجلی شد (۱). هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیائی از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی تأثیرپذیرفته است. به گفته بروجرودی (۵)، استراتژی روشنفکران ایرانی استراتژی اختلاط و پیوند این سه گفتمان در اشکال گوناگون و شکل دادن به هویت ترکیبی بوده است. سه رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران عبارتند از: ۱) جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن. ۲) زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغول و عربی داشته است. ۳) دین اسلام که برغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است. همه ایرانیان از دوران باستان تاکنون

در فلات ایران زندگی کرده‌اند و مرزهای جغرافیائی این فلات هویت بخش مکان و بوم زیست آنان می‌باشد. آنان در این مکان خود را یافته‌اند و طی قرن‌ها با نوسانات زیست محیطی آن خود را تطبیق داده‌اند. نه تنها در ایران بلکه در بین همه ملت‌ها سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی امروز و تشکیل واحدهای مستقل سیاسی به اندازه‌ای اهمیت یافته است که بررسی هویت ملی بدون در نظر گرفتن آن مطالعه‌ای ناقص خواهد بود. در این میان برخی همان واحد سیاسی را محور و عامل اصلی هویت ملی می‌دانند به عبارت دقیق‌تر جغرافیا مکان قوم ایرانی را تشکیل می‌دهد و اقوام ساکن در این مکان با چنگ و دندان از تمامیت ارضی خود دفاع می‌کنند. تاریخ مشترک اقوام ساکن در ایران سرگذشت ملت ایران است. این اقوام زبان فارسی را به عنوان وسیله مرافقه و ارتباط برای بیان افکار، حالات و احساسات خود به کار می‌برند. دین اسلام را هم به عنوان فرهنگ خود پذیرفته و تلاش می‌نمایند کلیه رفتارهای خود را با ارزش‌ها و قواعد و قوانین آن انطباق دهند. به تجددگرایی نیز به عنوان ابزار زندگی ارج می‌گذارند و خواهان آن هستند. در این راستا معتقدند که می‌باید عناصر پیشرفته تمدن روز جهان را در فرهنگ اسلامی خود هضم نمایند و به عناصر فرهنگ خودی تبدیل کنند. یادآور می‌شود که نحله‌های فکری‌ای وجود دارند که هر کدام یکی از عناصر فوق را اصلی تلقی می‌نمایند و به آن در تعریف هویت ایرانی تأکید می‌نمایند. به نظر ما مجموعه عوامل فوق و هر کدام در جای خود، عناصر اصلی هویت ملی ایرانی را تشکیل می‌دهند. در جهانی که عرصه تحولات سریع است و ارتباطات و تبادلات در آن نه تنها در سطح رسمی و بین دولت‌ها و ملت‌ها، بلکه گستره‌ی آن حد و مرزها را در نور دیده است. باید فرهنگ‌ها را شناخت و فهم متقابل را برای بهره‌برداری از ارتباطات و تبادلات میان ملت‌ها تقویت کرد. در این میان می‌توان از خلیج فارس و نواحی پس کرانه‌ای آن در طول تاریخ و نقش عمده‌ای که در تحولات فرهنگی و تمدنی منطقه و جهان داشته است، نام برد. تمدن‌های درخشان بین‌النهرین، ایران قدیم و اسلام در نواحی مجاور این آبراه شکل گرفته‌اند که طی دوران اوج و عظمت خود دستاوردهای تمدنی و فرهنگی عمده‌ای را به جهان عرضه کرده‌اند. موقعیت ویژه جغرافیایی خلیج فارس موجب شده تا این منطقه به یکی از مراکز اصلی تبادلات اقتصادی و مراودات اجتماعی بین نواحی شرق آفریقا، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرق آسیا تبدیل شده و همواره در مسأله رقابت بین قدرتهای بزرگ منطقه‌ای و جهان دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. حضور مستمر و کشمکش برانگیز قدرت‌های استعماری در خلیج فارس یکی از نمودهای بارز اهمیت آن در مناسبات بین‌المللی است. با اکتشاف نفت در نواحی پس کرانه‌ای و فلات قاره خلیج فارس این منطقه مرکز عمده تولید و صادرات نفت خاورمیانه گردید و بر اهمیت اقتصادی - سیاسی آن افزوده شد. البته با همه اهمیت‌های این منطقه در اقتصاد و مناسبات فرهنگی - سیاسی جهان داشته است. و هویت اصیل ایرانی را نشان می‌دهد، تاریخ تحولات سیاسی و کیفیت تعامل بین فرهنگ‌ها و میزان تاثیرگذاری آنان تا کنون به طور کامل مورد مطالعه قرار نگرفته است. این واقعیت غیرقابل انکار را باید در نظر داشت بدون به رسمیت شناختن هویت ملی، نمیتوان در بین اقوام گوناگون کشور، حس تعهد و وفاداری و انسجام و هماهنگی بر محور اصول و ارزش‌های مشترک ملی، بوجود آورد. در واقع هیچگاه نمی‌توان با انکار هویت‌های گوناگون قومی، هویت ملی واحدی را ایجاد کرد. در حالیکه هویت ملی در یک کشور چند قومیتی زمانی تحقق می‌یابد که از مجموع هویت‌های گوناگون قومی، یک هویت مشترک جمعی در قلمرو سیاسی واحد، ایجاد کرده و از این طریق در بین اقوام گوناگون با وابستگیهای مختلف فرهنگی، نژادی، مذهبی و زبانی، احساس وابستگی و تعلق شدید به هویت جمعی که از آن به هویت ملی تعبیر میشود، خلق کرد باید بپذیریم که پیش زمینه‌های ایجاد یکپارچگی، همبستگی و اتحاد ملی فراهم سازی امکان و توان درک و هضم هویت‌های گوناگون قومی در کشور میباشد.



همانطوری که هویت ملی در سطح کلان آن، وسیله تفکیک یک ملت از ملت دیگر می‌باشد، دقیقاً هویت قومی نیز همان نقش را در راستای تفکیک یک گروه قومی از سایر گروه‌های قومی، ایفا می‌کند. با توجه به اینکه در اغلب موارد، ملت‌سازی بنیاد قومی دارد، در جوامع چند قومی در صورتی که هویت ملی تنها بر عناصر فرهنگی یک قوم متکی بوده و در نتیجه موجب محرومیت یک یا تعدادی از اقوام از برخی حقوقشان شود و بنابراین مورد تبعیض و نابرابری قرار گیرند یا آن را احساس نمایند، به راحتی امکان برجسته شدن یا تقویت شدن هویت قومی در مقابل هویت ملی وجود دارد. این امر می‌تواند محرکی قوی برای دست یازیدن به اعمال سیاسی و مدعی شدن برای حق تعیین سرنوشت و در نتیجه بحران‌های قومی شود (۳). نگرشی مبتنی بر تعریف تک‌بعدی از «هویت ملی» و انکار واقعیت‌های قومی، زبانی، مذهبی، تاریخی و فرهنگی اقوام گوناگون در کشور، نه تنها باعث تخریب و نابودی بنیان‌های هویتی اقوام محروم می‌شود، بلکه نابودی همبستگی و اعتماد ملی را نیز در پی دارد. لازمه داشتن هویت ملی، تعلق خاطر و پیوند اقوام با سرنوشت ملی و مشارکت نخبگان آنان در یک تناسب عادلانه در ساختار حاکمیت سیاسی و برخوردار از امنیت روانی و اجتماعی می‌باشد. قبول واقعیت‌های قومی، مشارکت همگانی در ساختار حاکمیت سیاسی و تأمین حقوق شهروندی آنان صرف نظر از هر عقیده و سلیقه، ضامن همزیستی همگرایانه آنان در جغرافیای واحد سیاسی گردیده و توسعه اقتصادی، علمی، فنی، صنعتی را بر ای هر کشور به ارمغان می‌آورد. با توجه به این امر، ارتباط بسیار نزدیک هویت ملی با حقوق شهروندی روشن می‌شود. شهروندی شأنی است که در آن به‌طور ضمنی، برابری انسان‌هایی که عضویت یک ملت و دولت ملی را پذیرفته‌اند تأکید شده است. این تساوی و برابری در حقوق شهروندی است. حقوقی که به‌طور رسمی تمامی اعضای یک ملت سواى تمایزات نژادی، زبانی و قومی دارای آن هستند. اهم این حقوق عبارتند از: برابری و تساوی در فرصت دستیابی به مقامات سیاسی و اداری جامعه، فرصت‌های اساسی مانند تحصیلات، شغل مناسب، امکانات رفاهی، حقوق و امتیازات قانونی و مشارکت سیاسی (۱۱).

نتیجه گیری نهایی

امروزه توسعه فرهنگ عمومی استفاده از اطلاعات جغرافیایی، ضرورت بکارگیری نام های جغرافیایی را نیز توسعه داده است. استفاده از استاندارد نام های جغرافیایی، منشاء ظهور دیدگاه های جدید بوده و "نام" به عنوان یک کلید برای شناسایی و کشف این دیدگاه ها مطرح است و علاوه بر آن، نام جغرافیایی می تواند در جهت توسعه زیرساخت های جامعه کمک نماید. ثبت صحیح و مستند نام های جغرافیایی سرزمینی در نقشه ها، اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیایی و نیز نشانی صحیح آنها در شبکه های اطلاع رسانی ملی و جهانی که امروزه به طریق گوناگون به ویژه در گستره رسانه های پیشرفته مطرح است و کاربرد دارند، ایجاب می نماید برای پیشگیری از تشتت و پراکندگی کاری و نیز ثبت نادرست و غیر مستند آنها که جنبه هویتی و ملی دارند، تدابیری اندیشیده شود. در ایران "کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نام های جغرافیایی ایران" متشکل از نمایندگان سازمانهای زیربط با مسئولیت سازمان نقشه برداری کشور تشکیل شده تا نسبت به نام نگاری و یکسان سازی جغرافیایی سرزمین ایران اقدام نماید. نام ها می توانند تعیین کننده هویت ملی ملت ها باشند.

پدیده هایی چون یک سرزمین سیاسی مشترک ، یک دین مشترک ، یک زبان مشترک ، یک سلسله خاطرات سیاسی مشترک ، برخی دیدگاه های اجتماعی مشترک ، و یک سلسله آداب و سنن و ادبیات و هنرهای مشترک ، مجموعه ای از این مفاهیم شناسنامه ای ملی را پدید می آورد که هویت ملی یک گروه انسانی یا یک ملت را واقعیت می بخشد. هویت ملی از نظر جامعه شناسی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی، دینی جامعه ای و انسانی است و ویژگی اصلی آن قابلیت انعطاف اجزاء آن و بومی بودن ابعاد تشکیل دهنده آن می باشد. هویت ملی ریشه در خاک دارد. هویت ملی یکی از چهار نوع هویت است که از قرن ۱۹ بر جای مانده است و در کنار سه نوع دیگر: هویت دینی، طبقه ای و نژادی، مشاهده می شود. هویت ملی فقط و فقط از طریق رشد و بالندگی هویت های گوناگون قومی در یک گستره جغرافیائی واحد مبتنی بر منافع مشترک جمعی و گسترش مشارکت سیاسی و گردش نخبگان اقوام، محقق میگردد. توجه به این امر، ارتباط بسیار نزدیک هویت ملی با حقوق شهروندی را روشن می سازد. هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیائی از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی تأثیر پذیرفته است. ملل برخوردار از دموکراسی که به دلایل قانونمندی در تلاش برای حفظ اسامی کهن هستند تا هویت تاریخی خود را حفظ و حراست کرده باشند، تغییر نام های جغرافیایی را حتی اگر در سطح اندک باشد، تقبیح می کنند .

تعامل فرهنگ ها و تمدن ها و حفظ صلح در صورتی ممکن است که ملت ها و مردم جهان به اندازه کافی با یکدیگر آشنا باشند و این شناخت باید جنبه ژرف و تاریخی داشته باشد تا شناسایی و در نتیجه احترام به هویت ملی هر کشور و ملتی امکان پذیر باشد، هرگونه تغییر و دخل و تصرف در نام ها و نقشه های تاریخی و جغرافیایی، حتی اگر هیچ انگیزه سیاسی در آن نباشد، به صلح جهانی لطمه می زند. چون نام ها بازگوینده هویت تاریخی اماکن و ملل هستند. هر اندازه یک ملت از هویت محکمتر و منسجم تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق تر خواهد بود.

منابع

- ۱- اشرف، احمد (۱۳۷۸) *هویت ایرانی در بین ایرانیان خارج از کشور*، جلد دوم سنت و تجدد، بولتن فرهنگی معاونت امور بین الملل وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی .تهران
- ۲- الطائی علی (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران، نشر شادگان، تهران .
- ۳- ایوبی، حجت‌الله (بهار ۱۳۷۷)، “شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی”، فصلنامه مطالعات
- ۴- باوند، داوود (۱۳۷۷) *چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ*، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال دوازدهم شماره ۱۲۹، ۱۳۰ .
- ۵- بروجرودی، مهرداد (۱۳۷۹) *فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرز*، فصلنامه مطالعات ملی. شماره پنج، سال دوم، پائیز ۷۹ .
- ۶- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) *روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی*، فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم، شماره ۵، پائیز ۷۹.
- ۷- رجائی، فرهنگ (۱۳۷۳) *هویت و بحران هویت ایرانی*، مجله جامعه سالم، شماره-9، 24 رجائی، فرهنگ (۱۳۸۲) *مشکله هویت ایرانیان امروز*، تهران: نشر نی .
- ۸- رزازی فر، افسر (۱۳۷۹) *الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، سال دوم، پائیز ۷۹
- ۹- روح‌الامینی، محمود و دیگران (۱۳۷۹) *میزگرد فرهنگ و هویت ایرانی*، فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۴، تابستان ۷۹-12. شایگان، داریوش، نگاه شکسته. ترجم سعید شاهسوندی، بی جا، بی تا .
- ۱۰- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران .
- ۱۱- قیصری، نورا... (بهار ۱۳۷۷)، “قومیت عرب و هویت ملی در ج.ا. ایران”، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۱، صص ۴۹-۸۳.
- ۱۲- یوسفی، علی (۱۳۸۰) *روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸، سال دوم، تابستان ۸۰ منبع: فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۴
- 13- *Standardizing names of urban places and streets of Iran's cities for organizing into National Geographical Names Data Base*, UNITED NATIONS WORKING PAPER GROUP OF EXPERTS NO. 12 ON GEOGRAPHICAL NAMES, twenty-sixth session, Vienna, 2-6 May 2011
- 14- *Promoting the Website of Iranian Committee on the Standardization of Geographical Names With a view to strengthening relations, Asia South-West Division (other than Arab)* UNITED NATIONS WORKING PAPER, GROUP OF EXPERTS NO. 16, ON GEOGRAPHICAL NAMES, Twenty-sixth session, Vienna, 2-6 May 2011.